

سمینار  
اهزاب  
ایرانی ...



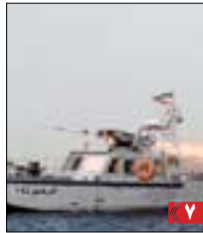
گفتگو با  
مصطفی  
همبری



اصلاح طلبان  
و انتقادات  
پیش رو



توان  
نظامی  
ایران ...



... کردستان  
همچنان  
سرفراز



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

# کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۵۷۳، جمعه، ۳۰ دی ۱۳۹۰، ۲۰ ژانویه ۲۰۱۲، ۱۵۰ تومانی

www.kurdistanmedia.com

تاریخ بشری رویدادهای تلخ و شیرین بسیاری به خود دیده و بزرگمردان و شیرزنان بسیاری صفحات گوناگون این تاریخ را با نام خود زینت بخشیده‌اند، روزهایی هم هستند که برای هر ملتی تبدیل به نماد جاودانگی می‌شوند، دوم بهمن، آن روز و نام پیشوا قاضی محمد، آن نام و تأسیس جمهوری کردستان، آن رویداد تاریخی است که تا همیشه رمز ماندگاری و مبارزه و استقامت و افتخار برای ملت کرد است.

در شصت و ششمین سالگرد تأسیس جمهوری شکوهمند کردستان، تیریکات گرم خود را تقدیم پیشگاه مردم کردستان می‌کنیم.

روزنامه‌ی "کوردستان"

## هر چهار ساعت یک نفر اعدام می‌شود

### الزبدانی تحت کنترل ارتش آزاد سوریه قرار گرفت

ارتش سوریه و رزمندگان ارتش آزاد سوریه پس از روزها نبرد با برقراری آتش‌بس در شهر زبدانی موافقت کردند. به گزارش دویچه وله، درحالی‌که مذاکرات درباره سوریه در شورای امنیت ادامه دارد، آمریکا اعلام کرد، ایران با ارسال اسلحه در سرکوب مردم سوریه دست دارد. اعضای شورای امنیت سازمان ملل نیز روز سه‌شنبه ۱۷ ژانویه به بررسی قطعنامه پیشنهادی روسیه در رابطه با اوضاع سوریه پرداختند. مخالفان می‌گویند در چند روز گذشته که نبردها در شهر زبدانی جریان داشته، رسانه‌های دولتی هیچ‌گونه خبری منتشر نکرده‌اند.

شهر زبدانی حدود ۴۰ هزار نفر جمعیت دارد و نیروهای اپوزیسیون توانسته‌اند بر بخشهایی از آن مسلط شوند. در این حال، باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا در ملاقات با ملک عبدالله، پادشاه اردن خواستار کناره‌گیری اسد از قدرت شد. برخی کشورهای عربی از جمله قطر مداخله نظامی در سوریه را ضروری قلمداد می‌کنند. بان کی مون، دبیرکل سازمان ملل نیز روز دوشنبه، ۱۶ ژانویه با "غیرقابل قبول" خواندن رفتار رژیم سوریه اعلام کرد، امیدوار است شورای امنیت نقش جدی‌تر و هماهنگ‌تر در تحولات سوریه ایفا کند.

نظامی به این کشور نیز مخالف است. با این همه، اقدام ایران به شروع غنی‌سازی بیست‌درصدی اورانیوم از نظر روسیه منفی و ناقض مصوبات شورای امنیت است. دیمیتری روگوزین، نماینده روسیه در ناتو روز جمعه، ۱۳ ژانویه در بروکسل گفته بود که مسکو هرگونه درگیری نظامی در ایران را تهدیدی مستقیم برای امنیت خود ارزیابی می‌کند. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه نیز می‌گوید، هدف از تحریم نفتی جمهوری اسلامی، ایجاد نارضایتی عمومی علیه جمهوری اسلامی است.



در همین ارتباط رئیس پلیس فرودگاه‌های ایران روز گذشته از اعدام ۹ نفر در سال جاری به اتهام حمل مواد مخدر صنعتی در هواپیمای خبر داد. بیشتر فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر طی بیانیه‌ای اعلام کرده بود که در سال جدید میلادی (۲۰۱۲) دستگاه قضایی ایران در هر چهار ساعت حکم اعدام یک ایرانی را اجرا کرده و این روند همچنان ادامه دارد.

فعالیت تبلیغی و عضویت در یک حزب مخالف رژیم به اعدام محکوم شده‌اند. این دو شهروند کرد فقط ۲۰ روز مهلت دارند تا به حکم صادره اعتراض کنند. همچنین بنا به گزارش وبسایت فرارو، روز یکشنبه در زندان عادل آباد شیراز هفت نفر به اتهام مواد مخدر اعدام و پنج نفر دیگر نیز در ملاءعام و در نقاط مختلف شهر به اتهام ارتکاب به جرایم خاص نظیر آدم‌ربایی، قتل و سرقت به دار آویخته شدند.

در آستانه برگزاری نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی رژیم، موج جدیدی از اجرا و صدور احکام اعدام در مناطق مختلف ایران و کردستان به راه افتاده است. به گزارش آژانس خبری موکریان، دو شهروند مهابادی به نامهای علی و حبیب افشاری از سوی دادگاه انقلاب رژیم به اعدام محکوم شده‌اند و این حکم روز ۲۶ دی ماه ۱۳۹۰ به آنها ابلاغ شده است. این دو شهروند، به اتهام محاربه از طریق

## اروپا از تیرماه نفت ایران را تحریم می‌کند

ماه ژوئن ۲۰۱۲ فرصت دارند تا قراردادهای موجود خود را با ایران به پایان برسانند و از اول ژوئیه حق وارد کردن نفت از ایران را نخواهند داشت. وزیر نفت عربستان سعودی، در این رابطه به سنی‌ان گفته است: این کشور به آسانی و "به شکل فوری و طی چند روز" می‌تواند نیاز بازار را تأمین کند. در تازه‌ترین دور تلاش‌های آمریکا روز دوشنبه (۱۶ ژانویه) یک هیئت آمریکایی به کره جنوبی سفر کرد تا مقام‌های این کشور را به کاهش خرید نفت از ایران ترغیب کند. از سوی دیگر، روسیه می‌گوید که با تحریم نفتی ایران موافق نیست و با حمله



تاریخ ۱۱ تیر ۱۳۹۱ اجرا شود. به گزارش رویترز، بر اساس این طرح، شرکت‌های نفتی طرف قرارداد ایران تا آخر

دانمارک، رئیس دوره‌ای اتحادیه اروپا پیشنهاد داده است که ممنوعیت کامل خرید نفت ایران از سوی اعضای این اتحادیه از

سلفن

کریم پرویزی

### سمبل بدبختی

جمهوری اسلامی برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های دروغین رأی‌گیری و برای به نمایش گذاشتن جمعیت به خیال خود کثیری که طرفدار رژیم ولایت فقیه هستند و فریب دوربین‌ها و افکار عمومی دست به هر نوع حیل‌های می‌زند و تلاش می‌کند تا از هر طریق ممکن از فریب و وعده دادن گرفته تا اعمال فشار و ایجاد ترس، مردم را وادار کند در آن روز از منزل خارج شده و در پای صندوق‌های رأی آماده شوند. اینکه مردم به چه کسی رأی می‌دهند و یا اگر حتی رأی سفید به صندوق می‌ریزند برای رژیم اهمیتی ندارد چرا که نام‌های موردنظر خود را در نهایت از صندوق‌ها بیرون می‌آورند.

در همین رابطه رژیم در کردستان دست بکار شده و ایادی و عمال رژیم که می‌دانند ملت کرد هوشیارند و فریب نمایش‌ها و سناریوهای رژیم را نمی‌خورند، در تلاشند تا این نمایش را برای مردم گرم و جذاب جلوه دهند و وانمود کنند که مردم در صورت عدم شرکت در انتخابات، ضرر و زیان بسیار خواهند دید! گویی در این سی سال و اندی که نمایش انتخابات مجلس برگزار شده، سود و برکت زیادی عاید مردم کردستان شده است!

در چند روز گذشته مسئول صنعت و بازرگانی استان کردستان گفته بود که چند پروژه صنعتی در استان کردستان و شهر سنندج افتتاح می‌شود و رحیمی، معاون احمدی‌نژاد برای افتتاح این پروژه‌ها به کردستان آمده و با خود خیر و برکت برای مردم کرد به ارمغان می‌آورد. بنابراین مردم باید در نمایش انتخابات شرکت کنند و به احزاب اپوزیسیون توجه نکنند!

پیش از هر چیز، این سؤال برای هر خواننده‌ای و هر فرد کردی به وجود می‌آید که چرا آمدن رحیمی برای کردستان متضمن خیر و برکت است؟! او که اصالتاً ترک بوده و به عنوان کرد معرفی‌اش کرده‌اند تا مردم ساده را از این طریق فریب دهند، خود مدت زیادی استاندار رژیم در سنندج بود و آثار خیر و برکت حضورش برای مردم کرد هنوز هم پابرجاست!! زمانی که رحیمی زمام امور را در کردستان به دست گرفت شمار بسیار پایینی از مردم مبتلا و آلوده‌ی مواد مخدر شده بودند، اما با پایان دوران استانداری رحیمی، نسبت آلوده شدگان به مواد مخدر به طرز باورنکردنی افزایش یافت و خود استانداری رژیم بزرگترین قاچاقچی و توزیع‌کننده‌ی مواد مخدر در کردستان بود و حتی آنرا به کردستان عراق هم ترانزیت می‌کرد. رژیم جمهوری اسلامی آنقدر در فریب مردم دچار شکست شده که برای شرکت مردم در نمایش انتخابات دست به دامان مهره‌های سوخته و از دست رفته شده است، مهره‌هایی که نام و چهره‌شان یاد آور بدبختی و سیاه‌روزی برای مردم کردستان است.

## سمینار احزاب ایرانی در مورد انتخابات پیشروی رژیم ایران



احزاب ایرانی در سمیناری که در کشور هلند برگزار شد، مواضع خود را در مورد حمله نظامی علیه رژیم ایران و انتخابات پیشروی مجلس شورای اسلامی ابراز کردند.

در این سمینار که روز ۲۴ دی ماه ۱۳۹۰ در شهر آمسترفن هلند با حضور شماری از احزاب ایرانی برگزار شد، نمایندگان احزاب مزبور، مخالفت خود را با هرگونه حمله نظامی به ایران، که موجب به بار آوردن خسارت‌هایی جبران‌ناپذیر خواهد شد، اعلام کردند.

احزاب حاضر در این سمینار، با بررسی وضعیت کنونی ایران و تنگناهای انتخاباتی آزاد و مبتنی بر اصول دموکراتیک در ایران کنونی، همگی بر سر تحریم انتخابات مجلس متفق‌القول بودند. نماینده حزب دمکرات کردستان ایران علاوه

بر تشریح موضع حزب در قبال انتخابات پیشرو و تحریم آن، یادآوری نمود که باید تحریم به شکلی فعال صورت پذیرد، بدان معنا که تمامی مردم ایران در تحریم انتخابات شرکت کنند. نمایندگان احزاب شرکت‌کننده در این سمینار عبارتند از:

کمال ارس، جبهه ملی - اروپا  
محمد اعظمی، سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

فریدون ابراهیمی، حزب توده  
پهروز خلیق، سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

محمد شافعی، کومله

عبدالرضا کریمی، حزب دمکرات کردستان ایران

## برگزاری مراسم دوم بهمن‌ماه در شهر "قلادزی"



روز ۲۸ دی ماه ۱۳۹۰ به مناسبت دوم بهمن ماه، سالروز تأسیس جمهوری کردستان، مرکز ۲ کردستان مراسمی را در شهر "قلادزی" در اقلیم کردستان برگزار کرد که شمار چشمگیری از اعضای رهبری، کادرها و پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران و ساکنان شهر قلادزی در آن حضور یافتند.

بعد از اجرای تشریفات اولیه و تقدیم قطعه‌ای ادبی، توسط "چنگیزسیگارچی"، محمد نظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، به ایراد سخنانی در رابطه با این روز تاریخی پرداخت.

محمد نظیف قادری در سخنانش با اشاره به نقش حزب دمکرات کردستان در تأسیس جمهوری کردستان، گفت: "حزب دمکرات کردستان بعد از سقوط جمهوری کردستان میدان مبارزه را رها نکرده است و با شایستگی در تمامی مراحل مبارزات ملت کرد و جنبش سراسری ایران، نقش پیشاهنگی و پیشرویی را نشان داده است. این وفاداری و ایستادگی حزب دمکرات

الهام گرفته از وفاداری پیشوا قاضی محمد به آرمانهای ملت کرد و ادامه‌ی راه افتخارآمیز قاضی محمد و دستاوردهای جمهوری کردستان برای تحقق آرمانهای آن جمهوری بوده است. در بخش دیگری از مراسم، پیام مشترک اتحادیه‌های زنان، جوانان و دانشجویان دمکرات کردستان ایران توسط کیهان یوسفی دبیر اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران قرائت شد. بخش پایانی مراسم، اجرای چندین قطعه سرود و ترانه از سوی هنرمندان شهر قلادزی بود که با رقص و پایکوبی حضار همراهی شد. همچنین احزاب و نهادهای زیر پامهایی را به مناسبت این روز ارسال نموده بودند:

- اتحادیه میهنی کردستان - شاخه "قلادزی"  
- جنبش تغییر - مرکز پشدر  
- کمیته‌های تشکیلات آشکار حزب دمکرات کردستان ایران در شهرهای رانیه، سوران و قلادزی

- کانون جوانان آزادی قلادزی

## برگزاری سمیناری در سلیمانیه به مناسبت سالروز تأسیس جمهوری کردستان



کاوه بهرامی، عضو دفتر سیاسی حدکا، و پروفیسور عزالدین مصطفی رسول در یک سمینار چگونگی تأسیس و شکل‌گیری حزب دمکرات و جمهوری کردستان و نقش و تأثیرات پیشوا قاضی محمد در تأسیس این دو را مورد بررسی قرار دادند.

این سمینار روز ۲۴ دی ماه ۱۳۹۰ به مناسبت سالروز تأسیس جمهوری کردستان در ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۴ در شهر مهاباد و با همت اتحادیه جوانان دمکرات کردستان ایران و سازمان آزادی جوانان کردستان در شهر سلیمانیه برگزار گردید.

پروفیسور عزالدین مصطفی در مورد چگونگی تأسیس جمعیت زک و شکل‌گیری حزب دمکرات کردستان ایران و سپس تأسیس جمهوری کردستان به ایراد سخنرانی پرداخت. وی در ادامه سخنان خود، به بررسی نقش و تأثیرات ادامه دهندگان راه و خط مشی پیشوا و جمهوری کردستان، به‌ویژه د.عبدالرحمن قاسملو، پرداخت.

این سمینار با مشارکت تعداد زیادی از نمایندگان سازمان‌ها و احزاب مختلف کردی از هر چهار بخش کردستان و سازمان‌های جامعه مدنی اقلیم کردستان برگزار گردید.

کاوه بهرامی در بخش دیگری از سخنان خود، با اشاره به نقش و تأثیرات پیشوا قاضی محمد در تأسیس جمهوری کردستان و حزب دمکرات کردستان، دستاوردهای این جمهوری را دارای اهمیت ویژه ارزیابی نمود.

در سمینار مذکور جلال روانگرد، پیام مشترک اتحادیه جوانان دمکرات و سازمان آزادی جوانان و عطا سراوی، عضو شورای مرکزی اتحادیه میهنی کردستان، پیام کمیسیون شهدا و انفال شدگان و صدومین شیمیایی این شورا، را قرائت نمودند.

این سمینار با مشارکت تعداد زیادی از نمایندگان سازمان‌ها و احزاب مختلف کردی از هر چهار بخش کردستان و سازمان‌های جامعه مدنی اقلیم کردستان برگزار گردید.

در ادامه سمینار، کاوه بهرامی، عضو دفتر

## بررسی کارنامه و عملکردهای جمهوری کردستان در سمینار اتحادیه جوانان



به مناسبت دوم بهمن‌ماه، سالروز تأسیس جمهوری خودمختار کردستان، اتحادیه جوانان دمکرات کردستان ایران و مؤسسه فعالیت جوانان کویسنجق روز ۲۷ دی ماه ۱۳۹۰ سمیناری را با شرکت شماری زیادی از اشخاص آکادمیک کرد برگزار کردند.

در این مراسم، نخست حسام احمدی، معاون دبیر اتحادیه جوانان دمکرات و سپس د.رزگار فقه، از فدراسیون سازمان‌های جامعه مدنی در شهر کویسنجق، پیام سازمان‌های خود را قرائت کردند.

در ادامه این سمینار، "فاضل شه‌ورو" از شعرای میهن دوست شهر کویسنجق، از شهرهای کردستان عراق در استان اربیل، شعری را در

وصف جمهوری کردستان و شخصیت پیشوا قاضی محمد، مؤسس این جمهوری، دکلمه کرد. در بخش پایانی سمینار، تیمور مصطفایی، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، در رابطه با وضعیت جمهوری کردستان و چگونگی تأسیس حزب دمکرات و سپس جمهوری کردستان به ایراد سخنرانی پرداخت.

آقای مصطفایی در خلال سخنان خود به بررسی فعالیت‌ها و عملکردهای جمهوری کردستان و دلایل فروپاشی آن پرداخت.

در این سمینار همچنین شمار زیادی از نمایندگان سازمان‌ها، احزاب و اساتید دانشگاهی و دانشجویان و جوانان کرد شرکت کرده بودند.

## سازمان عفو بین‌الملل میزبان نماینده حزب دمکرات کردستان ایران

در یک دیدار رسمی نماینده حزب دمکرات کردستان ایران طی نشست با مسئولین سازمان عفو بین‌الملل در پاریس وضعیت نامطلوب حقوق بشر در ایران و به ویژه در کردستان را تشریح کرد.

بر اساس گزارش ارسالی دفتر نمایندگی حدکا در پاریس، روز جمعه ۲۳ دی ماه خسرو عبداللهی نماینده حدکا در ساختمان مرکزی سازمان عفو بین‌الملل در پاریس با دو نفر از مسئولین این سازمان به نام‌های خانم کلیر برتراند مسئول بخش خاورمیانه این سازمان و خانم ژاکلین بیرین شو مسئول بخش ایران دیدار کرد.

در این نشست نماینده حدکا توضیحاتی کلی در رابطه با وضعیت نامطلوب حقوق بشر در ایران و کردستان و همچنین اوضاع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کردستان را همراه با جزئیات برای مسئولین سازمان عفو بین‌الملل تشریح کرد. همچنین خسرو عبداللهی مجموعه‌ای از اسناد و مدارک مرتبط با نقض صریح حقوق بشر در کردستان را به این سازمان ارائه دادند. دستگیری‌های خودسرانه شهروندان کرد، شکنجه مستمر زندانیان سیاسی، پرونده سازی و متهم نمودن شهروندان کرد به بهانه‌های کاذب، اعدام‌های غیر قانونی و تبعیضات گوناگون از عناوین اصلی ایراد شده توسط نماینده حدکا به عفو بین‌الملل بود.

در این دیدار نماینده حدکا به پرسش‌های مسئولین سازمان عفو بین‌الملل پاسخ دادند.

## استان‌های گردنشین ایران و زنان رکورددار خودکشی در ایران

استان‌ها گردنشین بیشترین آمار خودکشی را در ایران دارا هستند، که علت آن مشکلات اقتصادی و ازدواج‌های اجباری، به دلیل وجود سنت‌های کهن، عنوان شده است.

به گفته یک استاد دانشگاه، استان‌های گردنشین ایلام، کرمانشاه و کردستان، با اقدام به خودکشی هر ۱۲ نفر در میان هر یک هزار نفر، رکورداران میزان خودکشی در ایران هستند.

امان‌الله قزایی مقدم، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس، با اشاره به اینکه زنان بیش از مردان اقدام به خودکشی می‌کنند، می‌گوید: "برخی از شهرهای کشور به خصوص نواحی غربی دارای آداب و رسوم هستند که زنان را به ازدواج‌های اجباری وادار می‌کند و همین امر سبب خودکشی دختران و زنان در این نواحی می‌شود." وی می‌افزاید: در تهران روزانه ۱۰ نفر خودکشی می‌کنند و یکی از عوامل آن همسر دوم بودن در میان زنان و مسائل اقتصادی در بین مردان است. این کارشناس، مسائلی همچون "تخریب شخصیت زنان، ازدواج‌های اجباری، تجاوزات جنسی و در نظر گرفتن آنان به عنوان ابزار" را از عوامل اصلی خودکشی در میان زنان عنوان می‌کند. به گفته این کارشناس، ایران سومین کشور جهان است که در آن آمار خودکشی زنان افزایش می‌یابد.

### بازداشت دو فعال کارگری در سندج

"شریف ساعدپناه" و "مظفر صالح‌نیا" دو فعال کارگری سندجی در روزهای اخیر توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان مرکزی سندج منتقل شده‌اند.

اتحادیه کارگران آزاد ایران گزارش داده است، روز ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۰ مأموران لباس شخصی وارد منزل شریف ساعدپناه از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران شدند و پس از تفتیش منزل، وی را به دادگاه انقلاب سندج بردند.

بنابر این گزارش، این فعال کارگری در شعبه ۵ دادگاه انقلاب در مورد بولتن خبری اتحادیه آزاد کارگران ایران مورد بازجویی قرار گرفته و سپس او را به زندان مرکزی سندج منتقل کرده‌اند.

همچنین ۱۵ دی‌ماه مأمورین امنیتی در شهر سندج به محل کار مظفر صالح‌نیا، یکی دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران مراجعه و پس از تفتیش آنجا، وی را دستگیر و جهت تفتیش منزل، او را به خانه‌اش بردند.

مأمورین امنیتی به طرز توهین آمیزی اقدام به تفتیش منزل نامبرده کردند و پس از ضبط کیس کامپیوتر شخصی وی، این فعال کارگری را به زندان سندج منتقل کردند.

بنابر همین گزارش، احکام لغو شده دو فعال کارگری دیگر به نام‌های شپث امانی و صدیق کریمی نیز بار دیگر به جریان انداخته شده است.

### سه شهروند مهابادی به ۱۵ سال حبس محکوم شدند

دادگاه انقلاب شهر مهاباد سه شهروند کرد را به اتهام همکاری با احزاب مخالف، هر یک به ۵ سال حبس محکوم کرده است.

آژانس خبری موکریان به نقل از یکی از محکوم شدگان گزارش داده است، دادگاه انقلاب، سه شهروند اهل مهاباد به نام‌های منصور دریانوش، شورش شکری افشار و ولی افشاری را هر کدام به اتهام همکاری با یک حزب مخالف رژیم به ۵ سال حبس محکوم کرده است.

این افراد حدود یک سال پیش در مهاباد و بوکان توسط نیروهای امنیتی بازداشت و هم اکنون نیز در زندان‌های مهاباد و ارومیه تحمل حبس می‌نمایند.

### بازداشت ۳۰ فعال کرد در ۱۷ شهر ترکیه

طی عملیاتی گسترده علیه فعالین سیاسی کرد، پلیس ترکیه به ۱۷ شهر ترکیه یورش برده و بیش از ۳۰ نفر را دستگیر کرده است.

این عملیات بنا بر حکم دادگاهی در ترکیه صورت گرفته و در آن، پلیس شمار زیادی از اعضای سازمان‌های کردی این کشور را به بهانه ارتباط با پ.ک.ک دستگیر کرده است.

به گزارش وبسایت‌های کردی ترکیه، در بین دستگیرشدگان، شماری از اعضای پارلمان ترکیه و مسئولین بلند پایه حزبی نیز دیده می‌شوند.

عملیات مذکور در شهرهایی همچون استانبول، آنکارا، چولیک، ازمیر، اله، آمد، سرت، زها، آگری، وان و ماردین به‌مورد اجرا در آمده است.

### برگزاری سمیناری در دانمارک به مناسبت سالروز تأسیس جمهوری کردستان



کمیته حزب دمکرات کردستان ایران در روز ۲۴ دی‌ماه ۱۳۹۰ در جزیره "شیلند" دانمارک سمیناری را به مناسبت شصت‌وششمین سالگرد تأسیس جمهوری کردستان در مهاباد برگزار کرد.

حزب دمکرات در تأسیس جمهوری کردستان را بررسی و همچنین وضعیت کنونی ایران و منطقه، سیاست و مواضع حزب دمکرات کردستان در قبال رویدادهای منطقه، ایران و کردستان را نیز تشریح نمودند.

### استان‌های کردنشین ایران با خطر خشکسالی مواجه‌اند

مواجه شوند.

نامبرده سال‌های ۱۳۷۶ - ۷۷ را آخرین سال‌های پرآب کشور عنوان کرده و گفته است: طی ۱۴ سال گذشته خشکسالی‌های شدیدی را در کشور با دوره‌های تداوم طولانی مدت داشته‌ایم و پیش آگاهی‌های کمیود بارش برای نیمه جنوبی کشور می‌تواند هشدار برای تداوم خشکسالی در این نواحی باشد.

رئیس مرکز خشکسالی، وضعیت استان ایلام را از حیث کمیود بارش از دیگر استان‌های ایران پائین تر اعلام کرده و گفته است در یک ماه اخیر ایلام ۵۴ درصد نسبت به شرایط معمولی کمتر بارش داشته است.

به گفته رئیس مرکز ملی خشکسالی هواشناسی، طبق بررسی‌های انجام شده امسال استان‌های کردنشین کرمانشاه و ایلام همراه با ۱۳ استان دیگر ایران واقع در مناطق جنوبی و شرقی ایران با خشکسالی مواجه خواهند شد.

وی وضعیت بارندگی در فصل زمستان را نامناسب توصیف نموده و یادآور شده که با وضعیت خشکسالی که سالیان گذشته در نیمه جنوبی ایران وجود داشته، این مناطق امسال نیز با شرایط نگران کننده‌ای روبرو هستند.

رئیس مرکز خشکسالی پیش‌بینی می‌کند که طی ماه آینده میزان بارندگی به ویژه در جنوب غربی و شرق کشور کاهش یابد و با کمیود بارش

### خودداری کردهای سه شهر استان آذربایجان غربی از ثبت نام در انتخابات مجلس

به دلیل وضعیت موجود و فضای ناسالم غالب بر انتخابات مجلس رژیم، هیچ کردی در شهرهای خوی، ماکو و سلماس در آذربایجان غربی جهت شرکت در انتخابات مجلس نهم خود را کاندید نکرده است.

بر اساس خبررسیده به وبسایت کردستان میدیا، از مجموع ۸ داوطلب کرد اهل ارومیه برای شرکت در انتخابات نیز فقط یک نفر تأیید صلاحیت شده است.

### مرگ یک زندانی سیاسی در زندان خوی

یک زندانی سیاسی کرد در زندان خوی در آذربایجان غربی روز پنجشنبه - ۱۵ دی‌ماه ۱۳۹۰ - بر اثر بیماری قلبی در گذشته است. به گزارش آژانس خبری موکریان، موسی حسین‌زاده جوان ۲۱ ساله اهل روستای الملو در منطقه قطور خوی که از بیماری قلبی به شدت رنج می‌برده صبح روز پنج

### دستگیری دو برادر مهابادی توسط نیروهای امنیتی

دو برادر کرد اهل مهاباد بدون هیچ دلیل مشخصی توسط نیروهای امنیتی رژیم ایران بازداشت شده‌اند.

به گزارش آژانس خبری موکریان، دو برادر به نام‌های محمد و انور ایزدوست، اهل روستای خورخوره از توابع مهاباد در استان آذربایجان غربی،

### انتقال یک زندانی از سندج به قرظینه زندان ارومیه

یک زندانی اهل سندج، که به اتهام عضویت در یکی از احزاب مخالف رژیم به حبس محکوم شده است، روز ۱۹ دی‌ماه ۱۳۹۰ به قرظینه زندان مرکزی ارومیه منتقل شده است.

به گزارش آژانس خبری موکریان و به نقل از همبندی‌های زندانی مذکور، مأموران زندان ارومیه کاوه (خبات) نصرتی را که بیش از ۲ سال است در حبس بسر می‌برد به سلول انفرادی زندان مرکزی این شهر منتقل کرده‌اند.

این خبرگزاری از انتقال آقای نصرتی اظهار بی‌اطلاعی کرده، ولی افزوده است: وی به اتهام عضویت در یک حزب مخالف رژیم به چهار سال و هشت ماه حبس محکوم شده است که بیش از دو سال از حکمش را سپری کرده است.

### بسیج دانشگاه آزاد ارومیه از برگزاری یک کنفرانس به زبان کردی ممانعت بعمل آورد

دانشگاه را تهدید کرده که در صورت شرکت در کنفرانس از ادامه تحصیل محروم خواهند شد. همچنین مدتی پیش نیز دانشگاه مذکور مجوز برگزاری کنفرانسی در مورد تئاتر کردی را نداده بود.

این ممنوعیت‌ها در حالی است که اوایل دی‌ماه سال جاری محمدرضا مخبر دزفولی، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، اعلام کرد: تدریس به زبان‌های ملیت‌های ایرانی در دانشگاه‌ها در چارچوب مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی به دانشگاه‌ها ابلاغ شده و هیچ مانعی برای اجرای آن وجود ندارد.

بسیج دانشگاه آزاد ارومیه با تهدید دانشجویان این دانشگاه، از شرکت آنها در یک کنفرانس که قرار بود یک دانشجوی کرد آنرا به زبان کردی و با مجوز خود دانشگاه برگزار کند، ممانعت بعمل آورد.

بر اساس اطلاعات رسیده به وبسایت کردستان میدیا، برگزارکنندگان این کنفرانس پیشتر مجوز برگزاری آنرا در روز ۲۰ دی‌ماه از دانشگاه اخذ کرده بودند، اما وقتی جهت آماده‌سازی برای برگزاری کنفرانس به دانشگاه وارد می‌شوند، با ممانعت بسیج مواجه می‌شوند. بسیج دانشگاه آزاد ارومیه، دانشجویان

### اعتراض کارگران کامیارانی و دهگلانی برای رسیدن به مطالبات خود

مسکونی را در این شهرستان به عهده دارد. کارگران شرکت کربین، واقع در شهرک صنعتی دهگلان در استان کردستان نیز روز ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۰ در مقابل اداره کار تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند.

بر اساس گزارش هرانا، در اسفند ماه ۱۳۸۹ کارفرمای این شرکت اعلام ورشکستگی کرده و این در حالی است که کارگران پس از ۹ ماه، هنوز حقوق سال ۱۳۸۹ را دریافت نکرده‌اند.

شرکت کارین صنعت دارای ۷۰ کارگر بوده، و مسائل پیش ساخته فایبر گلاس تولید می‌کند.

کارگران یک شرکت و یک کارگاه در شهرهای کامیاران و دهگلان در استان کردستان به دلیل عدم پرداخت حقوق معوقه خود دست به اعتصاب و اعتراض زده‌اند.

به گزارش خبرگزاری هرانا، ۳۰ نفر از کارگران و استادکارهای مسکن مهر کامیاران در روزهای ۱۷ و ۱۸ دی‌ماه ۱۳۹۰ دست از کار کشیدند و بدین نحو به عدم پرداخت حقوق معوقه خود اعتراض کردند.

مسکن مهر کامیاران از سال ۸۹ به پیمانکاری شرکت صلب استیل، مسئولیت ساخت ۴۲ واحد

### وعده‌هایی که کشاورزان کردستانی را بدهکار کرد

کردستان شده است. ابراهیم حسن‌نژاد، در مورد طرح هدفمندی بارانه‌ها و تأثیرات آن بر صنعت تولید و کشاورزی گفته است: با تسهیلات بانکی تعریف شده بسیاری از تولیدکنندگان که توان مالی بالایی نداشتند نتوانستند خود را با این طرح وفق دهند.

به گفته این مقام مسئول، لذا نوید ضمانت‌های لازم کاری در راستای ارائه تسهیلات به کشاورزان و تولیدکنندگان، اغلب متقاضیان را به سیستم‌های بانکی بدهکار کرده است.

یک مقام مسئول در استان کردستان، سیستم بانکی فعلی را یکی از مشکلات کشاورزان برشمرده و به گفته وی، عدم اجرای وعده‌های داده شده برای ارائه تسهیلات به کشاورزان و تولیدکنندگان، آنها را به سیستم‌های بانکی بدهکار کرده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، مدیر کل جهاد کشاورزی کردستان روند فعلی پرداخت تسهیلات به بخش کشاورزی را مناسب ندانسته و خواستار همکاری بیشتر بانک‌ها با کشاورزان در استان

## مصطفی هجری:

# پروسهی ديمقراسی با سرنگونی جمهوری اسلامی می تواند آغاز شود



است؟

ج: به نظر من در جمهوری اسلامی ایران هیچ تغییری روی نداده و شناخت حزب دمکرات کردستان ایران از همان آغاز تاکنون شناخت درستی بوده، ولی خوب مشخص است وقتی که یک انقلابی در ایران روی داده و حکومت جدیدی روی کار آمده که ادعای ديمقراسی و رعایت حقوق مردم را دارد، در دوره‌های اول خیلی منطقی است که مردم در انتخابات مشارکت نکنند، چون هنوز این حکومت، آنطور که باید، تجربه نشده و حزب دمکرات کردستان ایران بر این اساس برای مشارکت و اعلام مواضع سیاسی خود، به شرطی که جمهوری اسلامی حقوق مردم ایران و مردم کردستان را به رسمیت بشناسد، در این انتخابات شرکت کرد، در انتخابات دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی، همه‌ی ما به یاد داریم که اکثریت نمایندگان که از مناطق و حوزه‌های انتخابیه‌ی کردستان انتخاب شدند نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران یا کاندیدهایی بودند که حزب دمکرات کردستان ایران از آنان حمایت می‌کرد. ولی بعد از اینکه نتیجه انتخابات معلوم شد، از طرف وزارت کشور اعلام شد که هیچ کدام از آنها نمی‌توانند در مجلس شورای اسلامی شرکت کنند. من خودم یکی از نمایندگان بودم که در حوزه‌ی انتخابیه‌ی شهر خود شرکت کرده بودم. بعد از اینکه نتیجه انتخابات و نتیجه رای مردم معلوم شد و من با رای بسیار بالایی انتخاب شدم، در همان شبی که انتخابات تمام شد، از طرف وزارت کشور به فرمانداری شهری که من در آنجا کاندیدا بودم اعلام شد که این انتخابات لغو شده است. این اولین تجربه‌ی انتخابات در جمهوری اسلامی بود که آنها نشان دادند اعتباری برای نمایندگان واقعی مردم قائل نشدند، زیرا می‌خواستند نمایندگان مورد نظر خودشان را انتخاب کنند.

س: یعنی نمایندگان خودشان در میان مردم؟

ج: بله نمایندگان خودشان در میان مردم و موردی که شما به درستی به آن اشاره کردید، کاندیدا شدن شهید دکتر قاسملو در انتخابات مجلس خبرگان بود، دکتر قاسملو در حوزه‌ی انتخابیه‌ی مربوط به خود با رای بسیار بالایی انتخاب شد. مردم به ایشان رای دادند ولی به علت تهدیداتی که از طرف رژیم می‌شد، دکتر قاسملو نتوانست در مجلس مؤسسان یا همان خبرگان حضور پیدا کند و حتی به یاد دارم که در اولین جلسه مجلس خبرگان، خمینی وقتی که متوجه شد دکتر قاسملو آنجا نیست اظهاراتی نمود به این معنا که "ایشان کجا هستند تا به حسابش برسیم؟" اینها اولین آزمایش‌های انتخاباتی بود که در جمهوری اسلامی نتایج آن، برای مردم مشخص می‌شد و بعد هم وضع همواره به همین ترتیب بوده و هیچ فرقی نکرده است، منتها وقتی که از سالهای اول انقلاب و زمامداری جمهوری اسلامی می‌گذریم، طبیعی است که بعداً این تجربه‌ها بیشتر روشن و شفاف می‌شود. بعداً

ج: بله  
س: انتخابات در یک نظام ديمقراتیک، یک مکانیزم مشروع برای رسیدن به قدرت یا تأثیرگذاری بر قدرت و سیاست است. اما جمهوری اسلامی نظامی است که بیشتر خود را براساس مبانی غیرديمقراتیک یا مبانی دینی و ایدئولوژیک تعریف می‌کند تا مبانی ديمقراتیک. با این وجود مقامات این رژیم خیلی اصرار دارند که خود را یک نظام ديمقراتیک وانمود کنند و مدام تکرار می‌کنند که در مدت بیش از سه دهه حکومت جمهوری اسلامی، بیشتر از سی انتخابات برگزار شده است. در این نظام که مشخصاً ولایت فقیه تئوری بنیادین و زمینه شکل‌گیری آن است، چه نیازی به برگزاری انتخابات است؟

ج: برگزاری انتخابات به تنهایی، دلالت بر ديمقراتیک بودن یک حکومت نمی‌کند. مهم، محتوای انتخابات و شرایط موجود برای برگزاری انتخابات است. ما در رژیم‌های دیکتاتوری زیادی در منطقه می‌بینیم که انتخابات به طور مرتب انجام می‌گیرد و معمولاً هم آمار بسیار بالایی از شرکت کنندگان در انتخابات ارائه می‌شود، همچنان که در جمهوری اسلامی ایران هم همین طور است. در زمان صدام حسین هم اعلام می‌شد که مثلاً مردم با ۹۸ درصد آرا یا ۹۹ درصد آرا ایشان را به ریاست جمهوری انتخاب کرده‌اند یا پارلمان با همین میزان رای انتخاب شده است، ولی خوب نتیجه‌اش از ابتدا معلوم بود. در جمهوری اسلامی هم همین طور است. جمهوری اسلامی تاکنون همیشه بعد از هر انتخاباتی، اعم از انتخابات ریاست جمهوری یا انتخابات مجلس شورای اسلامی، از مردم سیاسی‌گزار می‌کند که در انتخابات شرکت کردند و به دشمنان نشان دادند که این رژیم مشروعیت دارد. اما نتیجه‌ی این حرف‌ها و به اصطلاح خودستایی‌ها طی این سی سال چه بوده است؟ نتیجه این وضعی بوده که الان داریم. آیا مردمی که در داخل ایران زندگی می‌کنند یا ایرانیانی که در خارج هستند از این حکومت راضی هستند؟ اگر انتخابات ديمقراتیک بوده، اگر مجلس شورای اسلامی واقعاً از نمایندگان مردم تشکیل شده، پس چرا وضع مملکت این طوری است؟ بنابراین، مسئله‌ای بسیار بدیهی است که حکومتی که معتقد به آزادی نیست، حکومتی که خود را نماینده امام زمان می‌داند، حکومتی که ایدئولوژیک است و فکر می‌کند که از عقاید و قوانین کاملی پیروی می‌کند که بی‌نیاز از اصلاح و پیشرفت و دگرگونی هستند، اصولاً به رای مردم اعتقادی ندارد، همچنان که در عمل نشان داده است. حالا می‌ماند اینکه آیا مردم ایران از این رژیم راضی هستند؟ آیا از انتخابات‌های گذشته راضی هستند؟ خوب اگر راضی هستند و اگر به نظر آنسان وضع مملکت خوب است، بنابراین بیایند و شرکت کنند. ولی اگر راضی نیستند، باید بالاخره یک روز به شکلی مخالفت خود را با این رژیم اعلام کنند. مناسبترین و بهترین فرصت برای این اعلام مخالفت، انتخابات است. اگر قرار باشد وضع رژیم به همین شکل پیش برود که مردم از آن ناراضی هستند ولی در انتخابات شرکت می‌کنند، بنابراین رژیم فکر می‌کند همه چیز مرتب است و کارها درست پیش می‌رود و مردم پشتیبان این حکومت هستند. اما بالاخره این مردم بایستی به جهان و به رژیم جمهوری اسلامی اعلام کنند که از این حکومت بیزارند. باید اعلام کنند که این رژیم، رژیم مردم نیست، انتخاباتش انتخابات مردمی نیست، مجلسش یک پارلمان مردمی نیست، حکومتش حکومت مردمی نیست، خوب حالا این مخالفت مدنی یکی از این راه‌هاست که به این ترتیب بایستی مخالفت خود را اعلام کنند. به کرات می‌بینیم که مردم در کشورهای آزاد تظاهرات می‌کنند، در تظاهرات مخالفت خودشان را نسبت به مسئله‌ای اعلام می‌کنند، اعتصاب می‌کنند و از این کارها، ولی خوب در

ایران که میدانی برای این نوع اعلام مخالفت‌ها وجود ندارد حالا فقط یک انتخابات ظاهری گذاشته‌اند و اگر مردم بروند در آن شرکت کنند، پس این مردم مخالفت خودشان را کجا می‌خواهند اعلام کنند؟ به همین جهت به نظر من وظیفه اساسی مردمی که خواهان آزادی هستند، خواهان ديمقراسی هستند، از این حکومت ناراضی هستند، این است که مخالفت خود را از طریق شرکت نکردن در انتخابات اعلام کنند، چرا که تجربه نشان داده است این انتخابات دستاوردی برای مردم ندارد و فقط رژیم است که از نتایج آن سوء استفاده می‌کند.

س: یکی از نظریاتی که طرفداران حضور در انتخابات، بدان توسل می‌جویند، این است که در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸، یکی از دلایل شکل‌گیری آن خیزش مردمی، حضور بالای مردم در انتخابات بود و این را توجیهی برای مشارکت و حضور همیشگی در انتخابات‌های جمهوری اسلامی دانسته و می‌گویند که اگر مردم تحریم می‌کردند، اصولاً اعتراض به رأی شکل نمی‌گرفت و این خیزش به وجود نمی‌آمد. به نظر شما خیزشی که در سال ۸۸ پس از انتخابات شکل گرفت، نتیجه‌ی مشارکت مردم در انتخابات بود یا نتیجه‌ی سیاست جمهوری اسلامی و در واقع اشتباهی که خود جمهوری اسلامی مرتکب شد؟ آیا اگر آقای میرحسین موسوی از صندوق بیرون می‌آمد برای جمهوری اسلامی نتایج مثبت‌تری نداشت؟ آیا وجهی بین‌المللی جمهوری اسلامی بهتر نمی‌شد و در آن شرایط که آقای موسوی احتمالاً با رأی بالای مردم انتخاب می‌شدند، جمهوری اسلامی از بحرانی که گریبانگیر آن بود نجات پیدا نمی‌کرد؟

ج: این سؤال شما از چند دیدگاه قابل بررسی است، یکی این‌که آیا مردمی که بعد از انتخابات سال ۸۸ ریاست جمهوری به خیابان‌ها آمدند، همگی در انتخابات شرکت کرده بودند؟ هیچ دلیل یا سندی برای این مسئله در دست نیست. من شخصاً معتقد اکثریت مردمی که در این تظاهرات و اعتراضات شرکت کردند، مردمی بودند که از رژیم جمهوری اسلامی بیزار بودند و این بیزاری در همان ساعات و فقط بخاطر انتخابات بوجود نیامد. این اعتراضات و مخالفت‌ها علیه رژیم، یک زمینه و پیشینه‌ی دور و درازی دارد. از همان روزهای بر سر کار آمدن جمهوری اسلامی آغاز شده و اندک اندک مترکم‌تر و فشرده‌تر گردیده و به جایی می‌رسد که مردم با بدست آوردن کمترین فرصتی، در تظاهرات علیه رژیم شرکت می‌کنند. بنابراین، من تردید ندارم، که به هیچ وجه نمی‌توان ثابت کرد، مردمی که در تظاهرات شرکت کرده بودند، همگی از آنها بودند که در انتخابات شرکت کردند. این استدلال هم درست نیست که اگر مردم در انتخابات شرکت نمی‌کردند، به خیابان نمی‌آمدند و مخالفت هم نمی‌کردند. در آینده هم همین‌طور خواهد بود. حتی در همین انتخابات پیش‌رو که به نظر می‌رسد، حداقل مردم شرکت خواهند کرد، اگر تظاهراتی پیش بیاید، باز هم مردم به تظاهرات می‌پیوندند. یک اشتباه دیگر هم که اینجا ممکن است بعضی‌ها مرتکب شوند، این است که فکر می‌کنند که اگر مثلاً آقای موسوی یا هر کس دیگری به ریاست جمهوری می‌رسید، می‌توانست یک کارهایی بکند، اولاً فراموش نکنیم که آقای موسوی مدت دو دوره در آغاز بر سر کار آمدن جمهوری اسلامی ایران نخست‌وزیر بود و کارنامه‌ی دوران نخست‌وزیری ایشان هم معلوم است. آیا در زمانی که ایشان نخست‌وزیر بودند، کارهای مملکت خوب پیش می‌رفت؟ آیا اعدام زندانیان سیاسی کار خوبی بود؟ نه فقط آقای موسوی، بلکه حتی دمکرات‌ترین، انقلابی‌ترین و روشنفکرترین افراد ایران هم اگر در انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس شورای اسلامی، حائز اکثریت آرا گردند، باز هم مسئله اینجا سیستم است. آیا این سیستم

## روزنامه

# آمریکا می‌داند چه چیز هواپیمای جاسوسی‌اش را پایین آورده

ترجمه: کریم پرویزی

بنا به گزارش مجله‌ی Deffence WEB، نیروی نظامی آمریکا می‌داند که هواپیمای بی‌سرنشینش چرا و چگونه فرود آمده است.

در این گزارش که روز دوشنبه، ۱۶ ژانویه ۲۰۱۲ منتشر شده، آمده است که ژنرال نورتون شوارتز فرماندهی نیروی هوایی در هفته‌ی گذشته اظهار داشته بود برای ارتش آمریکا مشخص شده است که چه چیز باعث سقوط هواپیمای جاسوسی این کشور در اواخر سال گذشته در ایران شده است.

ژنرال شوارتز در گفتگو با خبرگزاری رویترز در هفته‌ی گذشته گفت: این هواپیمای کار تهیه‌ی اطلاعات، نظارت و شناسایی (ISR) را برای فرماندهان ارتش انجام می‌دهند.

مسئولین آمریکای ادعایی ایران را مبنی بر توانایی کنترل هواپیما و نشانیدن آن رد می‌کنند اما در مورد چگونگی سقوط این هواپیما چیزی نگفته و هیچ اطلاعاتی نمی‌دهند.

ماه گذشته ارتش آمریکا اعلام کرد که تحقیقات در مورد دلایل سقوط آن هواپیما را آغاز کرده است.

ژنرال شوارتز اعلام کرد که تحقیقات انجام شده اما هیچ اطلاعاتی را در مورد نتایج آن ندارد. تنها گفت که می‌دانیم دلیل سقوط چه بوده به همین دلیل به استفاده از هواپیماهای جاسوس RQ - ۱۷۰ ادامه می‌دهیم.

وی همچنین اعلام کرد که آن حادثه‌ی سقوط هیچ ضرر و زبانی به اطلاعات سری و امنیتی کمپانی لوکاد که تولیدکننده‌ی این هواپیماهاست وارد نکرده است!

در ادامه‌ی این گزارش کارکردهای هواپیمای بدون سرنشین RQ - ۱۷۰ ذکر شده که آمریکا از آنها در افغانستان استفاده کرده، همچنین برای جمع‌آوری اطلاعات آنها را به فراز آسمان ایران می‌فرستد.

این هواپیماها، رفت و آمدها محل اقامت بن‌لادن را کنترل کرده و در نهایت با همان اطلاعات، ارتش آمریکا موفق به نابودی وی شد.

در پایان این گزارش نویسنده می‌گوید زمانیکه آن هواپیما به دست ایران افتاد این نگرانی وجود داشت که تکنولوژی و اطلاعات مخفی دربار‌ه‌ی این هواپیما به دست چین برسد همچنین نگرانی بیشتر آن بود که اطلاعاتی که این هواپیما جمع‌آوری کرده به دست ایران بیفتد اما گویا آمریکا چنین نگرانی ندارد و برنامه‌های کامپیوتری این هواپیما را به شیوه‌ای کدگذاری کرده که دشمن نتواند از آنها استفاده کند.

منبع:

www.deffence web.co.za

فقیه، اصولاً ارزشی برای این نوع نامه‌نگاری‌ها قائل نیست و این نامه‌نگاری‌ها بیشتر مردم را متوهم می‌کند و در جوهر و محتوای خویش نوعی تشویش‌آذغان عمومی از طریق ایجاد این توهم است که این رژیم قابل اصلاح است. در اینجا بایستی گفت که ممکن است آقای ولی فقیه متوجه نشده باشد و به یادش بیاید که باید چنین کارهایی بکنند، غافل از اینکه جمهوری اسلامی اصولاً به نقطه‌ای رسیده که نمی‌تواند کمترین آزادی‌ها را به مردم بدهد، دلایل بسیار روشن است، برای اینکه با کمترین آزادی‌ها، مردم بیزار از جمهوری اسلامی این رژیم را سرنگون می‌کنند. به همین جهت می‌بینیم که روز به روز سرکوب بیشتر و شدیدتر می‌شود، نه فقط نسبت به سازمان‌های سیاسی یا آزادیخواهان و دمکراسیخواهان، بلکه حتی در داخل رژیم و بین گروه‌های به اصطلاح اصولگرا هم این شدت عمل وجود دارد. کمترین گشایش از طرف رژیم مترادف است با سرنگونی آن و به همین جهت می‌بینیم که قبل از اینکه انتخاباتی صورت بگیرد، چندین ماه قبل از انتخابات اعلام می‌کند که یک فتنه دیگری در راه است. از آن زمان خود را برای سرکوب این فتنه یا چالش امنیتی آماده می‌کنند و بلافاصله ادعا می‌کنند، کسانی که علیه شرکت در انتخابات تبلیغ می‌کنند، وابسته به آمریکا و اسرائیل و کشورهای بیگانه هستند. بنابراین در جمهوری اسلامی امکان تحمل کمترین و کوچکترین انتقاد وجود ندارد، انگار رژیم جمهوری اسلامی یا به قول اینها، آقای ولی فقیه که خیلی هم در نامه‌هایشان از روی تعریف و تمجید می‌کنند، از این کارها اصلاً اطلاع ندارد و بی‌خبر از این خطاهاست، ولی خامنه‌ای بسیار خوب می‌داند که اگر الان به عنوان ولی فقیه این همه قدرت نظامی و مالی در اختیارش است، بخاطر این سرکوب است و گرنه مشروعیت این رژیم در میان مردم از بین رفته است، رژیم‌هایی که به این نقطه می‌رسند که دیگر مشروعیت مردمی خود را از دست می‌دهند، تنها سلاحشان سرکوب است. ما این سلاح را به اشکال متفاوت در کشورها و در سیستم‌های متفاوتی دیده‌ایم. در کشورهایی که به اصطلاح در بهار عربی حکومت‌هایشان سرنگون شد و در رژیم صدام حسین دیده‌ایم، در رژیم فعلی سوریه هم می‌بینیم که تنها وسیله سرکوب است. بنابراین، به نظر من، از چنین رژیم‌هایی انتظار گشایش، آزادی، فراهم نمودن شرایط انتخابات و یک پارلمان مردمی، جز طولانی کردن عمر رژیم و ایجاد توهم در بین مردم ایران و جهان، هیچ دستاوردی برای مردم نخواهد داشت.

س: درخواست شما به عنوان دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران از مردم کردستان و ایران در رابطه با انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی چیست؟

ج: من این مسئله را بیشتر به وجدان مردم ایران واگذار می‌کنم. اگر مردم ایران از این رژیم راضی هستند، از سیاست‌هایش، از وضع اقتصادی موجود، از سیاست بین‌المللی رژیم، اگر راضی هستند، خوب طبیعتاً باید با رژیم همکاری کنند و بایستی مشارکت داشته باشند و به قول خود رژیم به این رژیم مشروعیت مردمی بدهند. ولی اگر راضی نیستند، بایستی در یک جایی به این رژیم بگویند نه، کجا می‌خواهند این را بگویند؟ تظاهرات خیابانی که نمی‌توانند بکنند، روزنامه‌ی آزاد ندارند که آنجا مطالبشان را بنویسند، سمینار و گردهمایی که نمی‌توانند برگزار کنند، خوب الان که چنین فرصتی پیش آمده، بایستی از آن استفاده کنند، برای این که اعتراض خود را به گوش رژیم برسانند و به رژیم بگویند که ما شما را نمی‌خواهیم و به دنیا هم نشان بدهند که این رژیمی که به زور سریزه بر ما مسلط شده، رژیم ما نیست، این حکومت ما نیست، به غیر از این، راه دیگری وجود ندارد. در غیر این صورت، نمی‌شود هم با رژیم همکاری کرد و هم این همه داد و بیداد راه انداخت که از نظر اقتصادی وضع بد است، از نظر اجتماعی، فساد و این مسائل عدیده‌ای که روزانه ما در ایران با آنها روبرو هستیم، امر نامطلوبی است. بایستی انتخاب کرد. اگر رژیم خوب است، بسیار خوب باید با آن حرکت کرد و اگر اینطور نیست، باید بگویند که آن را نمی‌خواهند، این حرف من است.

که در چهارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران شرایط یک انتخابات آزاد طبق حداقل استانداردهای امروزی امکان‌پذیر نیست. ولی نمی‌خواهند بگویند که ما در انتخابات شرکت نمی‌کنیم. نمی‌خواهند بگویند که ما از جمهوری اسلامی پشتیبانی نمی‌کنیم و کاری می‌کنیم که جمهوری اسلامی تضعیف گردد، می‌خواهند این ارتباط را حفظ کنند، می‌خواهند اگر فردا گلابه‌ای از طرف جمهوری اسلامی نسبت به آنان مطرح شد، بگویند ما شرایطی تعیین کردیم، شما قبول نکردید و گرنه ما همچنان داریم در چهارچوب نظام فعالیت می‌کنیم. اشکال به اینجا برمی‌گردد. تاکنون البته در میان آنها اختلافاتی وجود دارد، بخصوص بعد از انتخابات اخیر ریاست جمهوری، همه آنها منسجم نیستند، ولی آنهايي که فعلاً برجمدار اصلاحات هستند، هنوز هم به فکر استحکام جمهوری اسلامی ایران از هر راهی هستند که بتوانند و نمی‌خواهند که ارتباط خود را با رژیم جمهوری اسلامی قطع کنند. بنابراین شرایطی پیشنهاد می‌کنند که جمهوری اسلامی قبول نمی‌کند. وقتی که بیانیه می‌دهند و انتخابات را تحریم نمی‌کنند و مردم را تشویق نمی‌کنند که در انتخابات شرکت نکنند اینها همگی از بندهایی است که اصلاح‌طلب‌ها از طریق آنها به جمهوری اسلامی ایران گره خورده‌اند و نمی‌توانند خود را از قید این بندها آزاد کنند.

س: قائل شدن این شرایط که اگر مثلاً زندانی سیاسی آزاد شود یا اگر انتخابات آزاد برگزار شود، ما در انتخابات شرکت می‌کنیم، آیا به این معنا نیست که در زمان انتخابات‌های قبلی که اصلاح‌طلبان در آنها حضور داشتند، زندانی سیاسی در ایران وجود نداشت یا انتخابات آزاد برگزار می‌شد؟

ج: طبیعتاً می‌بینید مسائلی که اصلاح‌طلبان مطرح می‌کنند، چه در گذشته چه در زمان حال، حتی این شرایطی که اعلام کرده‌اند درست به این معناست که رژیم ظرفیت آن را دارد که زندانی سیاسی را آزاد کند یا شرایط مناسب برای یک انتخابات آزاد را فراهم کند و می‌خواهند به مردم بگویند که این ظرفیت‌ها وجود دارد، بنابراین باید در فکر اصلاح این رژیم بود. در حالی که در گذشته هم این شرایط فراهم نبوده است ولی همان‌طور که گفتیم، در گذشته آنها امید بیشتری داشتند که اگر در انتخابات شرکت کنند پذیرفته می‌شوند و می‌توانند در مجلس شورای اسلامی حضور داشته باشند یا به ریاست جمهوری برسند. اگر در این انتخابات هم این امید را داشتند، باز هم شرکت می‌کردند، با وجود این که انتخابات آزاد امکان نداشت، با وجود این که زندانیان سیاسی آزاد نشده بودند، آنها شرکت می‌کردند، یعنی مسئله بر سر منافع آنها در قدرت است. اگر منافع آنها در قدرت تأمین شود، برای آنها آزادی زندانی سیاسی یا شرایط دیگری که معمولاً از آن صحبت می‌کنند، اصلاً مطرح نیست، همچنان که در گذشته هم مطرح نبوده است. بنابراین خیلی مهم است که مردم ایران متوجه این مسائل باشند و متوجه باشند که اعلام عدم شرکت آنها بدین خاطر است که خودشان کنار گذاشته شده‌اند.

س: آقای هجری در مطلبی که نوشته‌اید، به نامه‌نگاری عده‌ای از کسانی پرداخته‌اید که در جمهوری اسلامی در گذشته دستی بر آتش داشتند و اکنون به نحوی بیرون از گود هستند. از جمله آقای محمد نوری‌زاد و تعدادی از فعالان و روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب و غیراصلاح‌طلب که نامه‌هایی به رهبر جمهوری اسلامی نوشته و در آنها نکات و پیشنهادهایی را در جهت اصلاح نظام و در واقع پاتین کشیدن قتیله‌ی سرکوب‌ها و مسائلی از این دست مطرح می‌کنند، هدف از این نامه‌نگاری‌ها به نظر شما چیست؟

ج: اگر متوجه شده باشید، بیشتر این نامه‌نگاری‌ها از طرف شخصیت‌های اصلاح‌طلب است، شخصیت‌های اصلاح‌طلبی که به‌طور کلی معتقد به ظرفیت‌هایی در جمهوری اسلامی هستند که قابل اجراست و می‌شود جمهوری اسلامی را از طریق آنها اصلاح کرد و به این امید که ممکن است، این مسائل که آنها در نامه‌هایشان مطرح می‌کنند، جمهوری اسلامی یا ولی فقیه متوجه آنها نشده باشد و می‌خواهند از دید خودشان، ولی فقیه را متوجه مسائلی بکنند که در کشور می‌گذرد، در حالی که جمهوری اسلامی و در رأس آن ولی

رسیده باشند که این حکومت قابل اصلاح نیست، بلکه چون به این نتیجه رسیدند که فعلاً راه رسیدن آنها به قدرت بسته شده، بنابراین در آن شرکت نمی‌کنند و گرنه موضع آنها و عقیده‌ی آنها در رابطه با جمهوری اسلامی ایران تا بحال تغییری نکرده است.

س: آقای هجری! احزابی هستند که در گذشته این سیاست تحریم را نادرست می‌دانستند، از جمله همین اصلاح‌طلبان که اکنون در میان آنها گروه‌هایی هستند که از تحریم حرف می‌زنند، آیا این گروه‌ها الان به صف تحریم‌کنندگان انتخابات پیوسته و در واقع به سیاست قبلی و همیشگی حزب دمکرات طی چند سال اخیر روی آورده‌اند و به نوعی پذیرفته‌اند که سیاست تحریم یک سیاست درست بوده است؟ آیا این را فقط در مورد الان و آینده درست می‌دانند یا اینکه پذیرفته‌اند که در گذشته هم که تحریم نمی‌کردند اشتباه بوده است؟

ج: نه من فکر نمی‌کنم که آنها به این نتیجه رسیده باشند که در گذشته اشتباه کرده‌اند.

همچنین به این نتیجه نیز نرسیده‌اند که در انتخابات مثلاً آینده هم شرکت نمی‌کنند. حتی در این انتخابات پیش رو، اگر کمترین نشانه‌ای از امکان انتخاب آنها وجود داشته باشد، باز هم شرکت می‌کنند، یعنی آنها با رژیم قطع رابطه نکرده‌اند هنوز هم سعی می‌کنند جمهوری اسلامی را پایدار نگه دارند و به همین دلیل است که می‌بینم با وجودی که این گروه‌ها

## وقتی که آزادی انتخابات، آزادی احزاب و زمینه‌ی مساعد برای انتخابات فراهم نباشد، نمی‌توان انتخابات را در چهارچوب معیارها و ضوابط حاکم بر یک کشور دمکراتیک بررسی کرد و به حساب آورد

اعلام کرده‌اند که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، ولی تحریم نکرده‌اند حتی تشویق نکرده‌اند که مردم شرکت نکنند، برای اینکه می‌خواهند رابطه خود را با رژیم محفوظ نگه دارند. یعنی آنها به این نتیجه نرسیده‌اند که این رژیم ظرفیت اصلاحات را ندارد، بلکه فعلاً اینطوری است. حالا باز هم بستگی به این دارد که رژیم چقدر روی لطف و محبت به آنها نشان بدهد تا آنها باز هم در تصمیمات خود تجدیدنظر کنند.

س: نکته‌ی دیگر در اعلام مواضع گروه‌های اصلاح‌طلب، قائل شدن شرایط برای حضور در انتخابات است، یک شرایط خاصی را مطرح کرده‌اند، آزادی زندانیان سیاسی، برگزاری انتخابات آزاد و تعبیری از این دست. شرایطی گذاشته‌اند که جمهوری اسلامی اگر اینها را برآورده کند، ما در انتخابات شرکت می‌کنیم. از طرف دیگر، رهبر جمهوری اسلامی و مقامات مسئول در شورای نگهبان و در ارگان‌های نظامی و امنیتی بارها تکرار کرده‌اند که اصولاً نیازی به حضور اصلاح‌طلبان نیست یعنی آنها را به انتخابات راه نمی‌دهند، چه برسد به این که شرایطی هم تعیین کنند. با وجود اینکه قاطعانه از طرف رهبران نظام گفته می‌شود که نیازی به حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات نیست چرا باز هم بر اعلام چنین شرایطی پافشاری می‌کنند؟

ج: به نظر من، اصلاح‌طلبان از روزهای آغازین که این شرایط را پیشنهاد کردند خوب می‌دانستند که شرایط آنها پذیرفته نخواهد شد. چون آنها هم این رژیم را می‌شناسند و می‌دانند

معتقد به حقوق مردم است؟ اگر معتقد به حقوق مردم باشد که این همه سختگیری، این همه دیکتاتوری، این همه کشتار و اعدام راه نمی‌اندازد. حکومتی که دمکرات باشد، معتقد به حقوق مردم باشد، احتیاجی به این همه ارعاب و نیرو و ماشین سرکوب ندارد. بنابراین، اگر در این انتخابات آقای موسوی یا هر کس دیگری هم رئیس‌جمهور می‌شد، نمی‌توانست کاری از پیش ببرد. حالا در مجلس شورای اسلامی کنونی یک گروه اقلیت اصلاح‌طلبان حضور دارند. این گروه صدایشان کجا شنیده می‌شود؟ اصلاً آیا مطرح هستند؟ اصلاً به حساب می‌آیند؟ کسی روی آنها حساب می‌کند؟ اینجا مسئله این نیست که اگر این فرد یا آن فرد برود خوب است، بحث بر سر سیستم است، به همین جهت، ما معتقدیم که در این سیستم هر کسی در رأس هر کاری قرار بگیرد، صرف‌نظر از اینکه فکر شخصی‌اش، اندیشه‌ی شخصی‌اش چه چیزی است، بایستی در این سیستم ذوب شده باشد و گرنه امکان نفس کشیدن برایش وجود ندارد. بنابراین اصولاً انرژی که مردم برای اصلاح کردن این رژیم صرف می‌کنند به هدر می‌رود. به نظر من سسی و چند سال حکومت و آزمایش کفایت و هزینه‌ی کمی در این راه به امید اصلاح رژیم داده نشده است. وقتی این سیاست پاسخ نمی‌دهد، باید راه دیگری را انتخاب کرد و راه دیگر این است که حکومت دیکتاتوری بایستی سرنگون شود. همچنان که می‌بینیم، در منطقه مردم دارند حکومت‌های دیکتاتوری را سرنگون می‌کنند، هیچ‌کدام از این حکومت‌ها حتی در سخت‌ترین شرایطی که قرار گرفتند، حداقل این حکومت‌هایی که سرنگون شدند، آماده‌ی اصلاحات نبودند، چون اصلاً معتقد به اصلاحات نیستند، معتقد به حقوق مردم نیستند، جمهوری اسلامی هم یکی از این حکومت‌هاست. بنابراین برای آغاز دمکراسی راهی به جز سرنگونی رژیم وجود ندارد. حالا من نمی‌گویم وقتی که این حکومت سرنگون شد، حتماً دمکراسی در کشور برقرار می‌شود ولی پروسه‌ی دمکراسی با سرنگونی جمهوری اسلامی می‌تواند آغاز شود، یعنی راه باز می‌شود. حالا بستگی پیدا می‌کند به این که مردم چقدر می‌توانند در این مسیر کوشا باشند و راه درست را انتخاب کنند تا زودتر به نتیجه برسند.

س: شما اخیراً طی مقاله‌ای به اشارات و گفته‌های بعضی از شخصیت‌ها و گروه‌های مختلف اصلاح‌طلب اشاره کرده‌اید که از انتخابات فعلی به عنوان یک انتخابات نمایشی، فرمایشی و اصطلاحاتی از این دست نام برده‌اند. فکر می‌کنید چرا اصلاح‌طلبان درون سیستم جمهوری اسلامی بعد از برگزاری بیش از سی انتخابات در جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده‌اند که این انتخابات فرمایشی است، اصطلاحی که بارها از سوی احزابی مثل حزب دمکرات در گذشته و در مورد انتخابات‌های دیگر تکرار شده و اکنون اصلاح‌طلبان درون حکومت به این نتیجه رسیده‌اند که این انتخابات فرمایشی است، چرا در گذشته به این مطلب اذعان نمی‌کردند و چرا الان به این نتیجه رسیده‌اند که این انتخابات فرمایشی است؟

ج: قبیل از هر چیز، بایستی بگویم که این نتیجه‌گیری اصلاح‌طلبان را که انتخابات فرمایشی است و نباید در آن شرکت کنند، یک گام به پیش می‌دانم، ولی انتقاد و سؤال من همین است که آیا در دوره‌های پیشین انتخابات فرمایشی نبود؟ مثلاً ما در انتخابات دوره‌های پیشین مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری صدای اعتراض همین اصلاح‌طلبان را شنیدیم که می‌گفتند انتخابات فرمایشی بوده یا مهندسی شده است، منتهی فرقی که این انتخابات با انتخابات‌های پیشین دارد، به نظر من، این است که در انتخابات‌های پیشین بالاخره یک درجه‌ای باز بود برای اینکه این اصلاح‌طلبان هم شرکت کنند. آنها هم همواره به این امید در انتخابات شرکت می‌کردند که بتوانند رأی بیاورند و باز هم در قدرت مشارکت داشته باشند. ولی در این انتخابات طبق اظهارات علنی ولی فقیه و افراد منتفذ دیگر رژیم، متوجه شدند که این درجه‌ها بسته شده و آنها دیگر نمی‌توانند شرکت کنند، یعنی راه رسیدن آنها به قدرت در این حکومت بسته شده است. به همین جهت این انتخابات را تحریم کردند، نه به این دلیل که به این نتیجه

# اصلاح طلبان و انتخابات پیش رو



## مصطفی هجری

اصلاح طلبان برای مشارکت در انتخابات مجلس نهم خواهان آزادی زندانیان سیاسی، پایبندی همگان به قانون اساسی و فراهم شدن امکان برگزاری انتخابات سالم و آزاد هستند. "محمد خاتمی" به دلیل آنکه شرایط حداقلی محمد خاتمی، رئیس جمهوری سابق، فراهم نشده است انتخابات آینده مجلس هیچ فایده‌ای برای مردم ایران ندارد. "جمعی از نمایندگان ادوار مجلس ایران مقیم خارج" اصلاح طلبان به هیچ شکل در انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی شرکت نخواهند کرد. "مجاهدین انقلاب اسلامی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی همچنین در بیانیه روز شنبه سوم خرداد خود، اعلام کرده است که انتخابات دور نهم مجلس شورای اسلامی را "نه یک انتخابات واقعی، بلکه نمایشی مهندسی شده با نتایج از پیش معین برای تشکیل مجلسی مطمئن" می‌داند.

جنبش راه سبز امید در انتخابات شرکت نمی‌کند. در متن مجموعه قریب به اتفاق این بیانیه‌ها و اظهار نظرها صفاتی از قبیل "نمایشی"، "فرمایشی" و "مهندسی شده" برای انتخابات پیش رو بکار رفته است. این اظهار نظرها از جانب طیف‌های مختلف اصلاح طلبان از دو جنبه قابل بحث و بررسی است:

۱- چشم داشت اینکه جمهوری اسلامی ایران، امکان برگزاری یک انتخابات آزاد را فراهم کند، زندانیان سیاسی را آزاد کند و پایبندی به قانون اساسی باشد تا این دوستان در انتخابات شرکت کنند و... از جمله همان توهم پراکنی‌هایی است که سال‌ها اصلاح طلبان بر آن پای فشرده‌اند تا با پرداخت هزینه‌های آن هر چند هم سنگین باشد، این توهم را در میان مردم ایران به وجود آورند که این حکومت ظرفیت و توانایی تغییر و اصلاحات را دارد، بنابراین شایسته است همه نیروها را در راستای اصلاح رژیم بکار برد نه در راستای تغییر کلی آن.

طی دهه‌های گذشته و از آغاز بر سر کار آمدن جمهوری اسلامی، این رژیم بی‌محبا و بدون تردید روزانه و در مقابل چشم جهانیان، در راستای یکدست کردن جامعه و حذف دگراندیشان، آزادیخواهان، فعالین

سیاسی ملیت‌های ایران، زنان، دانشجویان و بطور کلی اقشار آگاه و حق طلب مردم ایران به شنیع‌ترین اقدامات دست یازیده است، و در این رابطه حتی برای زهر چشم گرفتن از مراجع تقلید و کسانی که در بنیان‌گذاری این رژیم نیز فداکاری‌ها کرده‌اند ذره‌ای تعلل نورزیده است و اما در طرف مقابل یعنی اصلاح طلبان و جمع قابل توجهی از روشنفکران نیز هیچگاه از این توهم پراکنی‌ها غافل نبوده‌اند و سعی فراوان نموده‌اند تا بلکه این رژیم تمامیت خواه و آدم‌کش را موجه جلوه دهند و آنرا به "منابه قطاری که از ریل خارج شده است روی ریل بیندازند" و اعتماد، آبرو و مشروعیت از دست رفته‌اش را به وی بازگردانند. این گروه با وجود آه و ناله زیاد از رژیم هرگاه پای عمل به میان آمده است به یاری آن شتافته‌اند، از جمله این به یاری شتافتن‌ها می‌توان از انتخابات‌های گذشته رژیم نام برد که معمولاً و به بهانه‌های مختلف و همسو با کارگزاران رژیم مردم را بسیج کرده‌اند تا هرچه بیشتر بر سر صندوق‌های رأی‌گیری جمع آیند و به این ترتیب دست رژیم را در اعلام این نتیجه‌گیری که شرکت انبوه مردم در انتخابات دلیل بر مشروعیت مردمی رژیم است، بازگذرانند. در این راستا البته از نوشتن نامه به سران رژیم و از جمله به ولی فقیه در رابطه با نصایح دلسوزانه! نیز دریغ نورزیده‌اند به این امید که رژیم با پیروی از نصایح آنها در جهت اصلاح و استحکام خود بکوشد و از خطر سقوط، مواجهه کردن کشور با جنگ و ... رهایی یابد. از آخرین نمونه این نامه نگاری‌ها می‌توان به متن نامه ۱۵۷ نفر از فعالان سیاسی، مدنی، دانشجویی و دانشگاهی و همچنین نامه‌ی آقای نوریزاد اشاره نمود. عجیب در کشوری که سردمداران و اداره‌کننده‌گان مردم را خس و خاشاک و آزادیخواهان و دگراندیشان را محارب با خدا، مفسد فی‌الارض، سرسیرده بیگانه، علیه امنیت ملی و ... می‌نامند و به این اتهامات آنان را محاکمه و به جوخه اعدام می‌سپارند و یا به حبس‌های دراز مدت محکوم می‌نمایند و در زندان‌ها آنچه نباید بر سر آن‌ها می‌آورند، آنکه این محکومان! بعد از ده‌ها سال تجربه و علم بر تغییرناپذیری رژیم همچنان بر طبل اصلاح طلبی می‌کوبند و برای شرکت خود در انتخابات برای حکومت‌مداران شرط

و شروط تعیین می‌کنند، در حالیکه رژیم اعلام می‌کند که لزومی برای شرکت آنان در انتخابات نیست.

این گروه از هموطنان ما گویی تنها یک آلت‌ناتیو می‌شناسند و آنهم اصلاح رژیم است، و هرگاه از آلت‌ناتیو دیگری مثلاً سرنگون کردن رژیم سخن به میان می‌آید، برآشفته می‌شوند و با انواع ترفندها و استدلال‌های تکراری خود در توجیه ماندگاری حکومت و گاه قانون اساسی موجود آن - که خود یکی از کانون‌های دیکتاتورپروری است - داد سخن می‌دهند و مردم را از عواقب پیش‌بینی نشده و منفی اقدام برای سرنگونی رژیم به وحشت می‌اندازند و آنرا دچار تردید و گمان مینمایند، که مبادا بهشتی را که اکنون این حکومت برای آنان فراهم نموده است از دست بدهند. آنگاه که نخبگان و روشنفکران کشور که بایستی مکانیزم تغییر و دگرگونی باشند بعد از دهه‌ها همچنان در فکر اصلاح رژیم هستند و با این هدف با سران حکومت نامه‌نگاری یکطرفه انجام می‌دهند و برای شرکت خود در انتخابات شروطی قابل می‌شوند، یعنی این که رژیم را به رسمیت و حقانیت می‌شناسند، هرچند گلايه‌هایی هم از حکومت دارند. نتیجه این نوع بینش و عملکرد، می‌شود همین وضعیتی که در کشور مشاهده می‌کنیم و زمامداری که بدون نگرانی چندانی یکه‌تازی می‌کنند. ما در حالی شاهد این ماجرا می‌تأسفیم که هستیم که تنها طی یکسال گذشته مردمان به پاخواسته کشورهای چندی در دور و نزدیک ما با قاطعیت و بدون تردید برای سرنگونی حکومت‌های دیکتاتور به میدان آمدند و با تقبل هزینه آن به هدف خود نایل آمدند، و ما بعد از دهه‌ها همچنان اندر خم یک کوچه‌ایم.

۲- بازخوانی دوباره شروط اصلاح طلبان برای شرکت در انتخابات پیش رو: "آزادی زندانیان سیاسی، فراهم شدن امکان برگزاری انتخابات آزاد و سالم و ... و حال که این شرایط فراهم نشده است بنابراین در این انتخابات "فرمایشی، نمایشی و ... شرکت نمی‌کنند. سؤالی که اینجا مطرح است این است که آیا تنها این انتخابات فرمایشی و نمایشی است و هشت انتخابات مجلس و ده انتخابات ریاست جمهوری طی سی سال گذشته فرمایشی و نمایشی نبودند که این دوستان در آنها شرکت کردند و دیگران را

هم تشویق به شرکت نمودند؟ آیا طی سه دهه گذشته آزادی زندانیان سیاسی و امکان برگزاری انتخابات سالم و آزاد فراهم شده بود؟ و اصولاً چه تفاوتی یا تفاوتی بین مکانیزم‌ها و قوانین انتخابات دور نهم مجلس شورای اسلامی با انتخابات‌های پیشین وجود دارد؟ به نظر می‌رسد که پاسخ این سؤالات کاملاً روشن است زیرا در انتخابات‌های گذشته هم ما شاهد تکرار اعلام "فرمایشی بودن، نمایشی بودن و انتخابات مهندسی شده" بودیم که اکثر از زبان کاندیداهای اصلاح طلب شکست خورده بیان می‌شد. حال اگر اصلاح طلبان این واقعیت را قبول داشته باشند که در انتخابات‌های گذشته هم شرایط دمکراتیک برای انتخابات فراهم نبود به همین جهت آنان و همه مردم شاهد فرمایشی بودن انتخابات و نتیجه آن بودند بنابراین نمی‌بایستی در آن انتخابات‌ها هم شرکت می‌کردند - نتیجه‌ای که در این انتخابات به آن رسیده‌اند که نتیجه درستی است - بنابراین حداقل یک عذرخواهی به هموطنان خود بدهکارند بابت این که به قول حکومت جمهوری اسلامی "در تشویق افکار عمومی" کوشیده‌اند و در انتخابات‌های شرکت نمودند و مردم را نیز به شرکت در آنها تشویق کردند که "امکان برگزاری انتخابات سالم" فراهم نشده بود.

بسا این پیشینه به ساده‌گی قابل درک است که اعلام عدم شرکت در انتخابات دور نهم مجلس شورای اسلامی که قرار است در اسفند ماه برگزار شود، از سوی اصلاح طلبان و این گروه از روشنفکران نه به علت محقق نشدن شرایط آنان برای شرکت در انتخابات، بلکه از آنجا منشأ می‌گیرد که این بار از جانب شورای نگهبان سنبه را بر زورتر می‌بینند و به این واقعیت پی برده‌اند که نه تنها سخن از پذیرش شرایط مورد درخواست آنان از سوی حکومت در میان نیست بلکه این رهبری رژیم است که برای شرکت آنان در انتخابات شرط قایل شده و اعلام می‌دارد کسانی از آنان می‌توانند در انتخابات شرکت نمایند که از اعمال خویش اظهار ندامت نموده و قول دهند که دگر بار مرتکب چنین اشتباهاتی نخواهند شد. نتیجه این برخورد رژیم درست به این معنی بود که بعید به نظر می‌رسد رژیم صلاحیت اقلیتی هرچند ضعیف از کاندیداهای این گروه را تأیید نماید تا آنان

امکان شرکت در رقابت انتخاباتی را داشته باشند، بنابراین فعلاً در بروی آنها کاملاً بسته است برآیند این استدلال این است که این بار نیز اصلاح طلبان به دنبال تشویق افکار عمومی هستند، زیرا در صدداند به غلط چنین القا کنند که آنان بدلیل محقق نشدن خواست‌هایشان که "آزادی زندانیان سیاسی، پایبندی همگان به قانون اساسی و فراهم شدن امکان برگزاری انتخابات سالم و آزاد" است در انتخابات شرکت نمی‌کنند تا به این ترتیب در برابر مردم و در قبال آن همه خدمتگزاری به رژیم و گرم نگاه داشتن تنور انتخابات‌های گذشته‌اش، به جای عذرخواهی، طلبکار هم باشند، در حالی که سابقه کار این بزرگواران حاکی از آن است که اگر آنان به این نتیجه می‌رسیدند که شمار اندکی از آنان می‌توانستند از غربال شورای نگهبان بگذرند و بتوانند در رقابت این انتخابات "نمایشی، فرمایشی و بی‌فایده و ... شرکت کنند بدون ذره‌ای تردید بار دیگر شرکت می‌کردند همچنان که در گذشته شرکت نموده‌اند، و آزاد نشدن زندانیان سیاسی و ... هم عزم راسخ آنانرا در گرم کردن تنور انتخابات پیش رو متزلزل نمی‌کرد، زیرا علیرغم همه گلايه‌ها و درد دل‌هایی که از رژیم دارند، آنان با صدها بند به ناف رژیم گره خورده‌اند و به همین جهت می‌بینیم در همه این اطلاعیه‌ها و بیانیه‌ها نه سخن از تحریم انتخابات است و نه تشویق مردم به شرکت نکردن در آن، زیرا هنوز هم چشم براه الطاف رهبری و گوشه نگاه بزرگوارانه شورای نگهبان هستند تا بلکه دریچه کوچکی از رحمت بر روی آنها باز نماید و آنان در آخرین فرصت‌ها بار دیگر کمر به تبلیغ به شرکت مردم در انتخابات ببندند و بدین ترتیب وظیفه ملی و الهی خود را نسبت به رژیمشان ادا نمایند و نشان دهند آنها همچنان آماده‌اند در راه ابدی ساختن این رژیم تحت همین قانون اساسی "بدون یک کلمه زیاد و یک کلمه کم" و وجود "اصل متعالی ولی فقیه" اخلاص خود را به حکومت امام زمان به اثبات رسانند در مقابل، تنها چشمداشتشان داشتن سهمی و لو اندک از قدرت و اختیاراتی است که از آن محروم مانده‌اند.

## توان نظامی ایران، واقعی یا نمایشی



ترجمه از انگلیسی: ربیوار فانی

حکومت اسلامی ایران در طی روزهای گذشته تهدید کرده در صورتی که کشورهای غربی تحریم‌های خود علیه این رژیم را عملی کنند، پیامد آن بستن تنگه‌های هرمز و محدودسازی عبور و مرور در این منطقه خواهد بود. اما واقعیت چیز دیگریست و آن اینکه توان محدود نظامی ایران پاسخشگویی عملی کردن چنین تهدیداتی نمی‌باشد و یک نوع بلوف سیاسی و جنگ تبلیغاتی با اهداف مشخص است.

چنین لفاظی و خودستایی تحریک آمیزی از سوی سران جمهوری اسلامی تا حدی توانست بر افزایش قیمت جهانی نفت تأثیرگذار باشد. اخیراً ایران با اجرای یک مانور نظامی در خلیج فارس با نام "ولایت ۹۰ درصد" برآمد که توانایی‌های خود را به معرض نمایش گذارد. ایران با نمایش موشک‌های ضد ناو، موشک‌های ضد

هوایی و همچنین قایق‌های تندرو جنگی ادعا کرد که قادر است در بستن تنگه‌های هرمز نقش مهمی ایفا کند. تسلیحاتی که در این مانور به کار رفت در واقع پیام روشنی بود به کشورهای همسایه ایران. برخی از تسلیحات مخصوصاً جنگنده‌های F-۴ و هلیکوپترها کاملاً نامربوط به اهداف مانور و احتمالاً تنها به منظور بزرگ‌نمایی و کار تبلیغی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. شاید سؤالی که مطرح شود این باشد که توان واقعی عملیاتی و تخریبی ایران تا چه حد می‌تواند باشد؟ ابتدا پیامدهای بستن تنگه‌ی

هرمز را مدنظر قرار می‌دهیم. روزانه تقریباً ۱۵ میلیون بشکه نفت از این آبراه عبور می‌کند بنابراین در صورت مسدودسازی باعث نگرانی شدید قیمت نفت و در نتیجه وارد آوردن زیان فراوان به اقتصاد جهانی خواهد بود. بدون شک ایالات متحده، ناتو و دیگر قدرت‌های جهانی بر علیه چنین اقدامی واکنش شدید نشان خواهند داد. جمهوری اسلامی با تهدید به بستن این تنگه در ماندگی خود را نشان داد چرا که این عمل نتیجه‌ی کاملاً برعکس به دنبال خواهد داشت. به این

معنی که قایق‌ها و ادوات فرسوده و قدیمی ایران مورد شدیدترین حملات هوایی قرار خواهند گرفت درست شبیه آنچه که ناتو در لیبی به اجرا گذاشت. ایران خود نیز از این واقعیت آگاه است و به همین دلیل در صنعت نظامی نیروی دریایی سرمایه‌گذاری‌های هنگفت انجام نداده و بیشتر تمرکز خود را بر نیروی هسته‌ای گذاشته است. زیردریایی‌های ایران بسیار آسیب‌پذیرند به این دلیل که (چون از نوع الکتریکی) دیزلی هستند هر چند روز یک بار باید به سطح دریا بیایند در نتیجه ردیابی و هدف‌گیری

ایران هم‌اکنون مجهز به صدها قایق تندرو جنگی می‌باشد که از نظر استانداردهای نظامی از کیفیت و تجهیزات پائینی برخوردار هستند و در صورت مواجه با ناوشکن‌های غول‌پیکر عملاً کارایی خود را به دلیل توان ضعیف دفاعی از دست می‌دهند. با وجود تمامی این ضعف‌هایی که در توان نظامی ایران وجود دارد احتمالاً مؤثرترین ابزاری که بتواند در - این زمینه از آن بهره‌برداری بکارگیری مین‌های دریایی باشد. مین‌های دریایی به راحتی توسط قایق‌ها، هواپیماها، زیردریایی‌های کوچک و حتی از سوی ساحل نیز قابل کار گذاشتن هستند.

بکارگیری مین ابتدایی‌ترین و مرگبارترین سلاح دریایی می‌باشد. اگر چه ایران می‌تواند با بکارگیری آنها ضرباتی را بر طرف مقابل خود وارد کند اما نباید فراموش کرد که توان جنگی نیروی دریایی ایالات متحده، ناتو و بریتانیا بسیار پیشرفته‌تر می‌باشد و گزینه‌های فراوانی در جهت مقابله با توان مین‌گذاری جمهوری اسلامی در اختیار دارند.

در مجموع با در نظر گرفتن تمامی تجهیزات نظامی که جمهوری اسلامی در اختیار دارد، احتمالاً بتواند زمان کوتاهی مسیر ترافیکی تنگه‌ی هرمز را محدود سازد ولی با توجه به ضعف تسلیحاتی قادر به ادامه این روند نخواهد بود و توان مقابله و دفاع را نخواهد داشت.

منبع:

The National

## کیهان یوسفی

خردمندی و آزادی فکر دو جزء جدایی‌ناپذیرند. سلب آزادی فرد به معنی نفی خردمندی اوست و نفی توان خردورزی انسان به نفی آزادی او خواهد انجامید. خردورزی به عنوان یکی از خصیصه‌های مدرنیته توانست که انسان را از قیومیت بسیاری از سنتها و باورهای کهنه و غلط برهاند و او را در گذار به سوی بنانهادن جامعه‌ای دموکراتیک و انسان محور یاری نماید.

جامعه‌ی دموکراتیک و مطلوب کنونی که به الگوی حکومتی و زندگی برای بسیاری از جوامع تبدیل شده، حاصل تلاش و مبارزات و قربانی شدن نسلهای متعدد در اروپا و آمریکا است و بنا نهادن جامعه‌ای اینچنینی امروزه به دغدغه و آرزوی بسیاری از مردمان مناطق و جوامعی که هنوز از قید و بند سنت رها نشده‌اند، تبدیل شده است.

در گذار به سوی دموکراسی و دستیابی به حقوق انسانی و جهانشمول، ملت کرد همواره در خاورمیانه به عنوان نیروی اجتماعی و سیاسی پیشتاز در طی یک قرن اخیر حضوری فعال داشته ولی متأسفانه تا کنون به صورتی کلی از دستیابی به این حقوق باز داشته شده است. عوامل فراوانی در این زمینه دخیل بوده‌اند که ساختار سیاسی حاکم بر کردستان یکی از این عوامل است. در ایران مطالبات کردها همیشه مطالباتی اوماننیستی و دموکراسیخواهانه بوده که در تقابل با خواست‌ها و مطالبات بخشی دیگر در ایران و به ویژه اندیشه تمامیت خواه حاکم در یک راستا نبوده و قرائت جریانه‌ای به اصطلاح دموکراسیخواه و آزادیخواه وابسته به مرکز نیز تاکنون در راستای حل مسئله کرد و حقوق ملتهای ایران نبوده، بلکه همواره در خدمت منافع همان اندیشه انحصارگرایی حاکم است.

بر همین مبنای جریانه‌ها و فعالان آزادیخواه و برابری طلب در کردستان همواره، چه در دوران حکومت سابق و چه در حال حاضر با برخوردی واپسگرایانه روبرو گشته و به

شدیدترین نحو ممکن خواستها و مطالبات آنها از سوی رسانه‌های دولتی و غیردولتی مورد تحریف و بی‌مهری قرار گرفته و حکومت به شدت هر چه بیشتر به سرکوب آنها پرداخته است.

طی سالهای گذشته سیاست حاکم بر کردستان همیشه در راستای امنیتی نشان دادن این مناطق بوده و حکومت همیشه چهره‌ای امنیتی از آن به نمایش گذاشته است و تنها استدلال این امر نیز به حضور نیروهای مسلح کرد نسبت داده شده است. در همین راستا و برپایه این سیاست، موجی از دستگیری و بازداشت و فضای رعب و وحشت و تهدید بر کردستان حاکم بوده است که این نیز خود بخشی از برنامه و سیاستهای کلان رژیم در کردستان به شمار می‌آید.

حکومت دموکراتیک، حکومت اجتماعی کردن قدرت سیاسی است، به این معنا که در جامعه‌ای دموکراتیک قدرت در انحصار یک شخص و یا یک گروه خاص

نیست. حکومت دموکراتیک حکومتی است که در آن تمامی شهروندان به صورت مستقیم و غیر مستقیم در قدرت و چگونگی سیاست‌گذاریهای کشور نقش دارند و این اصلی است که جامعه ایرانی و به ویژه حکومت‌های حاکم در ایران با آن بیگانه‌اند و اساس حکومت در ایران و به ویژه رژیم جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل انباشت قدرت سیاسی در دست عده‌ای خاص و برخورد و ممانعت با روند گسترش و تقسیم این قدرت است.

فعالان مدنی و سیاسی و سازمانهای غیردولتی و فرهنگی نقش بسزائی در گذار به سوی دموکراسی در هر جامعه‌ای ایفا می‌کنند و حکومت‌های دیکتاتور و مستبد همچون جمهوری اسلامی همیشه تشکیل و فعالیت این سازمانها را تهدیدی برای بقاء ساختار خود دانسته و بنیانگذاران و فعالان این نهادها را بازداشت و روانه زندانها کرده‌اند. کردستان به عنوان خاستگاه آزادیخواهی و دموکراسی‌طلبی در ایران و

به عنوان جامعه‌ای زنده و پویا، به صورت مداوم توانسته است آزاداندیشان و فعالان مدنی و سیاسی بی‌شماری را پرورش داده و علیرغم تمامی فشارها و اعمال سیاستهای سرکوب و تهدید از سوی رژیم، این روند همچنان گسترده‌تر و قوی‌تر از قبل تداوم داشته است.

طی چند ماه اخیر موجی گسترده از بازداشت و دستگیری فعالان مدنی و فرهنگی و شهروندان کرد سراسر مناطق کردنشین را در بر گرفته که چشم‌گیرترین این دستگیریها در دو شهر مهاباد و ارومیه صورت گرفت. اعدام در ملاء عام در شهرهایی همچون کرمانشاه و بازداشت فعالان محیط زیست در مریوان و دستگیری و صدور احکام زندان طولانی مدت در مدت اخیر به صورت گسترده در راستای امنیتی‌تر کردن کردستان در جریان بوده است. بازداشت ۱۲۸ شهروند کرد از آغاز فصل پاییز تا اوایل دی‌ماه و صدور ۲۷۲ سال و ۷ ماه زندان برای ۷۷ شهروند از

## سیاست‌های شکست خورده و کردستان همچنان سرفراز

مصادیق این امر است. شمار بازداشت‌شدگان در مناطق کردنشین به حدی است که اکبر جوهری، دادستان دادگاه انقلاب شهر سنندج شمار زندانیان در این شهر را بیشتر از ظرفیت زندان‌های شهر سنندج دانسته است. رژیم در آستانه انتخابات فرمایشی مجلس نهم بار دیگر بر آن است تا با تداوم رویکرد امنیتی در کردستان نتایج مطلوب خود را بدست آورد، ولی گذر زمان واقعیت دیگری را بازگو می‌کند، واقعیت شکست تمامی سیاستهای خرد و کلان رژیم در کردستان و روی‌گردانی حتی فریب خوردگان این رژیم از آن در کردستان. بدون شک جامعه آگاه و هوشیار کردستان با تحلیل دقیق از وضعیت موجود رژیم، بسان گذشته نفرت خود را از این رژیم با عدم حضور در پای صندوقهای رأی نشان خواهند داد و باری دیگر اثبات خواهد کرد که کردستان سنگر آزادی و خاستگاه دموکراسی است.

در راه همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

## درخشش "جدایی نادر از سیمین" در گلدن گلوب

### از ترندهای رسانه‌ای در آستانه‌ی نمایش انتخابات

باران  
با نزدیک شدن به نمایش انتخابات مجلس نهم در ایران، جمهوری اسلامی این بار نیز همچون قبل در صدد فضا سازی برآمده تا این امر کاذب خود را حداقل تا روز اخذ رأی به عنوان امری واقعی بنمایاند و هر چه بیشتر به اهدافش نزدیک تر شود. چنین فضا سازی‌ای برای جمهوری اسلامی آقصدار ارزش دارد که کلیه‌ی مؤسسات مختلف خود را در راستایش بسیج کند، زیرا اگر این نمایش برای مردم فایده‌ای ندارد، برای رژیم فواید و سودهای زیادی به دنبال دارد. جمهوری اسلامی از این طریق، نه تنها درصدد است چهره‌های غیر واقعی از خود را به افکار عمومی جهان نشان دهد و مردم ایران را بدان مشغول سازد، بلکه بازی‌ای به راه می‌اندازد تا درک اشتباه بخشی از مهرها و طرفداران ناآگاهش را باز تولید کند.

یکی از دستگاه‌های جمهوری اسلامی که در این فضا سازی شرکت دارد، دستگاه ایدئولوژیک رسانه‌های همگانی رژیم می‌باشد که با توسل به مال مردم و پول نفت ایران، از لحاظ فنی کمتر از رسانه‌های همگانی کشورهای دیگر نیست و در تاکتیک خبر سازی انحرافی به اندازه‌ی توانایی رژیم در فریب افکار عمومی، تواناست. در اینجا مختصراً تنها به سه روش کلی این دستگاه در فضا سازی مذکور اشاره می‌کنیم. اول، رسانه‌های عمومی جمهوری اسلامی طی روزهای اخیر، انتقادات نادرست اعضای مجلس رژیم را پوشش می‌دهند که گاهی به قدری تند هستند که انسان به تردید می‌افتد که آیا این رژیم یاری تحمل آنرا دارد! دوم، پخش مصاحبه‌های انتقادی افرادی که مطبوعات و صدا و سیما رژیم آنها را متخصص و کارشناس معرفی می‌کنند و در مورد امور مدیریتی کشور ابراز عقیده می‌کنند، از دیگر ترندهای رسانه‌های رژیم می‌باشد. سوم، از دیگر فریب‌های رسانه‌ای، برجسته سازی برخی هشدارها و تهدیدهای جهت‌دار در مانسنت روزنامه‌هایشان است، هشدارها و تهدیدهایی مثل "نباید اجازه داد افراد جریان فتنه وارد مجلس شوند" و یا "مجلس این بار باید به ولی فقیه پایبند باشد" و غیره، انگار اصلاً نمایشی در کار نیست و رقابتی واقعی میان جریان‌های سیاسی متضاد المنافع در جریان است.

کاملاً مشخص است که چرا این روش‌ها را به عنوان فریب و ترند رسانه‌ای عنوان می‌کنیم، زیرا، اول، آنهایی که انتقادی دارند، چرا طی مدت نزدیک به چهار سال دوره‌ی عضویتشان در مجلس حرفی نزدند و حالا چه کسی به آنها اجازه‌ی حرف زدن داده است؟

دوم، به هر حال نهایتاً این ولی فقیه است که حق تصمیم‌گیری درباره‌ی مسائل جزئی و کلی نظامشان را دارد و چنانچه به اصطلاح متخصص نظری دارد، در صورت داشتن شجاعت بهتر است آنرا در بیت رهبری مطرح کند، زیرا حرف زدن خطاب به مردمی که قدرتی ندارند، بی‌فایده است و سوم، چنانچه قصد فضا سازی برای انتخابات را ندارند، پس این تهدیدها و هشدارها به چه کار می‌آیند؟ به اندازه‌ی کافی نظارت برای منع ورود افراد غیر خودی به مجلس وجود دارد.



لیلا حاتمی و پیمان معادی بازیگران نقش اول زن و مرد در این فیلم هستند. "جدایی نادر از سیمین" برای شرکت در هشتاد و چهارمین دوره‌ی اسکار (بزرگترین رویداد سینمایی جهان) برگزیده شده است. این فیلم در شصت و یکمین جشنواره بین‌المللی فیلم برلین جایزه‌ی خرس طلایی را برای بهترین فیلم و دو جایزه‌ی خرس طلایی را برای بهترین بازیگر زن و بهترین بازیگر مرد از آن خود کرد. جوایز گلدن گلوب که پس از جایزه‌ی اسکار، مهمترین جایزه‌ی سینمایی آمریکا به شمار می‌آید، از سوی انجمن انتشارات خارجی هالیوود (HFPA) اهدا می‌شود.

فیلم "جدایی نادر از سیمین" به کارگردانی اصغر فرهادی، جایزه‌ی بزرگ دیگری را به دست آورد. این فیلم در مراسم اهدای جوایز شصت و نهمین دوره‌ی گلدن گلوب که روز دوشنبه ۲۶ دی‌ماه برگزار شد، جایزه‌ی بهترین فیلم خارجی را از آن خود کرد. به گزارش بی بی سی، این فیلم برای گرفتن این جایزه با فیلم‌های "از سرزمین خون و عسل" به کارگردانی آنجلینا جولی، "گل‌های جنگ" به کارگردانی ژانگ ایمو، "پسر دوچرخه‌سوار" به کارگردانی برادران داردین و فیلم "پوستی که در آن زندگی می‌کنیم" به کارگردانی پدرو آلمودوار در رقابت بود.

## تأثیرات اعتیاد به اینترنت مغز، مشابه اعتیاد به مواد مخدر است



حالا این مادر آمریکایی به ۲۵ سال حبس محکوم شده است. خطر اعتیاد به اینترنت، شمار زیادی از مردم جهان را تهدید می‌کند. پژوهشگران می‌گویند با یافته‌های این تحقیقات می‌توان ریشه‌های بسیاری از اختلافات رفتاری را کشف و برای درمان آن اقدام کرد.

مواد مخدر، دریافته‌اند که به فیبرهای ماده سفید مغز این افراد هم آسیب‌های مشابهی وارد می‌شود. بر اساس آمار منتشر شده، ۵ تا ۱۰ درصد از کاربران اینترنت، معتاد محسوب می‌شوند. به این معنی که نمی‌توانند رفتار خود در قبال این پدیده تکنولوژیک را کنترل و مدیریت کنند. به عنوان مثال، بر اثر اعتیاد مادری ۲۸ ساله به اینترنت، فرزند سه ساله‌اش بر اثر گرسنگی جان باخت و

الکلی‌ها یا معتادان به کوکائین دارد. این نخستین بار است که چنین شباهت‌ها و ارتباطاتی میان گونه‌های کاملاً متفاوت اعتیاد کشف می‌شود. به گزارش این منبع، روزنامه ایندپندنت گزارش داد که پژوهشگران در بررسی دقیق اسکن‌های MRI تهیه شده از مغز کاربران جوانی که به اختلال اعتیاد به اینترنت دچارند و با تطبیق این تصاویر با اسکن‌های تهیه شده از معتادان به الکل و

پژوهشگران درصددند راه‌هایی برای درمان اعتیاد آنلاین بیابند. یافته‌ی جدید پژوهشگران نشان می‌دهد، اعتیاد به "ماده سفید" مغز آسیب‌هایی وارد می‌کند که پیش‌تر فقط در مغز معتادان به الکل و مواد مخدر دیده شده بود. به گزارش دویچه‌وله، گزارش‌های منتشر شده نشان می‌دهد که تغییرات پدید آمده در مغز کاربران معتاد به اینترنت، شباهت بسیاری به مشکلات پدید آمده در مغز

## حکم شش ماه تا ۲ سال زندان برای کسانی که از ماهواره استفاده می‌کنند

افزود، این رقم در مقایسه با ۹ ماه نخست سال گذشته ۷۳ مورد افزایش داشته است و در این ۹ ماه ۱۹۴۲ نفر از کسانی که در کار توزیع لوازم و ابزار مرتبط با ماهواره بوده‌اند و همچنین نصاب‌های ماهواره و کسانی که برای دومین بار از آن استفاده کرده‌اند، دستگیر و تحویل مقامات مسئول رژیم شده‌اند.

خبرگزاری کردپا به نقل از آمارهای رسمی گزارش داد، تنها در هفته‌ی اول سال جدید میلادی و در شهرستان مریوان ۱۲۴۴ وسیله‌ی ماهواره از سوی نیروهای انتظامی ضبط شده‌اند. در استان آذربایجان غربی نیز تنها در مدت ۱۰ روز، ۳۰۲۷ وسیله‌ی ماهواره‌ای توقیف شده است.

جمع‌آوری دیش‌های ماهواره در نقاط مختلف ایران گسترش یافته و جمهوری اسلامی برای پیشگیری از استفاده مردم از ماهواره، مجازات‌های سنگینی را برای خاطیان تعیین کرده است. به گزارش روزنامه "روزگار" مجازات کسانی که گیرنده‌ی ماهواره و دیگر لوازم مرتبط به آن را دارند از شش ماه تا ۲ سال حبس و همچنین جریمه نقدی و شلاق است.

جمع‌آوری گیرنده‌های ماهواره در کردستان نیز گسترش یافته است. علیرضا شاه محمدی، فرمانده ناچا در استان کردستان، در گفتگو با خبرگزاری دولتی مهر اعلام کرد که در ۹ ماه نخست امسال ۶۱ هزار و ۸۸۲ نوع ابزار و لوازم مرتبط با ماهواره کشف و ضبط شده است. وی

